



مناظره ادامه دار تعریف

© December 2009, Dr David Hillson PMP HonFAPM
david@risk-doctor.com

اکثر ما امیدوار بوده ایم که مناظره و بحث درباره ی اینکه چگونه ریسک را تعریف کنیم به سرانجامی رسیده است. این موضوع، مخصوصاً با تمرکز بر این پرسش که آیا ریسک باید مانند تهدید شامل فرصت هم باشد، یا اینکه ریسک منحصر منفی است، "موضوع داغ" آغاز این قرن بود. هم اکنون به نظر می رسد که اجماع اکثریت بر این است که ریسک دوسویه است و هم سویه ی مثبت و هم سویه ی منفی را پوشش می دهد.

حالا انتشار استاندارد ISO31000 "مدیریت ریسک-مبانی و خطوط راهنما" (منتشر شده در نوامبر 2009) همچون افروزنده ی دوباره ی آتش مناظره ی تعریف به نظر می رسد. تعریف ریسک در ISO31000 با تنها پنج واژه، نخست، به نظر می رسد آشکار و نامبهم باشد:

ریسک "تاثیر عدم قطعیت بر اهداف" است

این تعریف هر سه واژه اساسی که هر تعریف ریسک باید شامل آنها باشد را در بر دارد.

1. ریسک نزدیک به عدم قطعیت است و ممکن است هرگز روی ندهد.
2. ریسک اهمیت دارد و باید مدیریت شود چون تاثیر دارد.
3. ما تاثیر آن را بر اهداف تعیین شده اندازه گیری می کنیم.

تا اینجا خیلی خوب است. اما اگر تعریف ISO31000 را دقیق تر نگاه کنیم، یک مشکل آشکار می شود. استاندارد ریسک ISO به وضوح بیان می کند که "ریسک تاثیر ...". اگر ما این نگرش را دنبال کنیم، این موارد را به عنوان ریسک های منفی شناسایی می کنیم: تاخیر، اضافه هزینه، حوادث، صدمه دیدن اعتبار، از دست دادن سهم بازار، عدم کارایی و غیره و در جهت مثبت ذخیره سازی زمان و هزینه یا افزایش عملکرد یا افزایش ارزش سهام را به عنوان ریسک های مثبت خواهیم دید. همه ی این چیزها تأثیراتی بر اهداف هستند، که می توانند از عدم قطعیت ها برآیند.

از سوی دیگر، استانداردهای دیگر ریسک پیش از این از ریسک تعریفی شبیه به این ارائه نموده اند:

ریسک "عدم قطعیتی است که اگر روی دهد، تاثیری بر اهداف خواهد داشت".

این تعریف کاملاً با تعریف ISO31000 متفاوت است. بقیه ی استانداردهای ریسک به وضوح عنوان می کنند که یک ریسک منفی عدم قطعیتی است که اگر روی دهد، سبب ایجاد تاخیر یا اضافه هزینه یا آسیب دیدن اعتبار خواهد شد. ریسک مثبت نیز غیر قطعی است و وقوع آن باعث ذخیره سازی زمان و هزینه یا بهبود اعتبار خواهد شد. یک ریسک می تواند یک رویداد غیر قطعی یا مجموعه شرایطی غیر قطعی و یا فرضی غیر قطعی باشد، اما نکته ی کلیدی طبق این استانداردها این است که ریسک عدم قطعیت است. البته بدین دلیل که یک ریسک غیر قطعی است ممکن است هرگز روی ندهد، اما اگر روی دهد بر اهداف تاثیر خواهد گذاشت. اما ریسک، تاثیر نیست. ریسک عدم قطعیتی است که نتیجه ی آن تاثیر خواهد بود.

این موضوع مهمی است چرا که هدف مدیریت ریسک را تعیین می کند. اگر "ریسک تاثیر است ... " آنگاه مدیریت ریسک به دنبال مدیریت نمودن آن تأثیرات خواهد بود، و فرآیند ریسک بر اینکه چطور از تأثیرات منفی دوری گزینیم یا آنها را کمینه سازیم و چگونه تأثیرات مثبت را به دست آوریم یا آنها را بیشینه سازیم، تمرکز خواهد نمود. اما اگر "ریسک عدم قطعیت است..." هدف از فرآیند ریسک پیگیری نمودن رویدادها یا شرایط غیر قطعی است. این به معنی جلوگیری از روی دادن ریسک های منفی در صورت امکان یا حداقل کاهش احتمال وقوع و/یا تاثیر آنها می باشد. همچنین به معنای به دست آوردن و تسخیر ریسک های مثبت و بیشینه نمودن احتمال وقوع و/یا تاثیر آنها نیز می باشد. پیگیری عدم قطعیت منجر به نگرش پیشگیرانه به جای تلاش برای مهار تأثیرات می شود.

همچنین شفاف سازی تعریف ریسک به منظور دوری گزیدن از اغتشاش و اغفال تیم هایی که سعی می کنند ریسک هایشان را مدیریت کنند نیز مهم می باشد. در حالی که بیشتر متخصصین ریسک قادر به غلبه بر پریشانی ایجاد شده در استاندارد ISO31000 خواهند بود ممکن است تعدادی گیج و منحرف شوند.

یک احتمال این است که نویسندگان ISO31000 در جست و جویشان برای یک تعریف ساده از ریسک، دچار ساده انگاری بیش از حد شده اند و این تغییر گیج کننده را ایجاد نموده اند. این گونه به نظر نمی رسد که تجربه ی اجرایی مدیریت ریسک به سوی این تعریف که "ریسک تاثیر عدم قطعیت بر اهداف است" به جای "ریسک عدم قطعیتی است که، اگر روی دهد، بر اهداف تاثیر می گذارد" تغییر جهت داده باشد. در عوض ما باید امیدوار باشیم که درک عمومی غالب شود و احتمالاً تعریف ISO31000 تغییر خواهد نمود.